



مجموعه اشعار حبیب الله صالح

تر آوری: محمد ابراهیم حمیدی



نشر چهار درخت
www.4derakht.ir



ناشر چهار درخت
www.4derakht.ir

دیوان ناصح (مجموعه اشعار حبیب الله ناصح)

سرشناسه: ناصح، حبیب‌الله، ۱۳۱۲ - ۱۳۸۵.

عنوان و نام پدیدآور: دیوان ناصح : مجموعه اشعار حبیب‌الله ناصح/ گردآوری محمدابراهیم حمیدی.

مشخصات نشر: بیرجند: نشر چهار درخت، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: م، ۳۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۴۶۳-۹-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: مجموعه اشعار حبیب‌الله ناصح

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

شناسه افزوده: حمیدی، محمدابراهیم، ۱۳۳۲ -

رده بندی دی: ۸۵ - ۴۴

رده بندی کتب: ۱۳۹۱ - ۵۰۰ - ۳۵ - ۲۵ - ۳۹۲/ PIR

شماره کتابشناسی: ۳۹۳۱

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤلف می باشد.

شاعر: حبیب الله ناصح

گردآوری: محمد ابراهیم حمیدی

ناشر: نشر چهار درخت

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

امور فنی و طرح جلد: نشر چهار درخت

محل نشر: بیرجند

چاپ و صحافی: مهرنگ

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۴۶۳-۹-۱

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

خرید اینترنتی این کتاب در سایت www.4derakht.ir

بیرجند - خیابان معلم - بین معلم ۴۴ و خیابان ۱۵ خرداد - نشر چهار درخت

تلفن: ۰۵۶ - ۳۲۴۳۳۲۸۶ - همراه: ۰۹۱۵ ۵۶۱ ۷۱۵۵

4derakht@gmail.com

www.4derakht.ir

فهرست مطالب

ف..... مقدمه

ص..... دیباچه

فصل اول: تپش دای نهائش (غزلیات عارفانه و عاشقانه)

۳..... گدای تو

۳..... صنع خدا

۴..... در ثنای پروردگار

۵..... دل افسرده

۵..... غنچه بهاره

۶..... بهانه دل

۶..... این صنم کیست

۷..... دل غمین

۷..... بزم مستان

۸..... نمانده است

۹..... گوهر یکدانه

۹..... آتش عشق

۱۰..... هر چه دارم از اوست

- جلوه گاه او ۱۱
- حریم یار ۱۱
- سنگ در نمی شود ۱۲
- قمار عشق ۱۳
- مه پاره ۱۳
- غزل عاشقانه ۱۴
- جلوه گل ۱۴
- جلای مهتاب ۱۵
- معرفت ۱۵
- تا صبح ۱۶
- آیات حق ۱۶
- بوستان حق ۱۷
- دل بیقرار ۱۸
- این امر عیان بیان ندارد ۱۸
- دولت عشق ۱۹
- بزم عشق ۱۹
- شهد وصال ۲۰
- قبله آمال ۲۱
- نفخه زلف یار ۲۱
- دل شیدا، چشم بینا ۲۲
- فرصت از دست رفته ۲۲
- یار بی وفا ۲۳
- بدنام ۲۳
- غارت دل ها ۲۴
- گدایی بوسه ۲۴
- خنده مستانه ۲۵

- ۲۵..... شوق نگاه
- ۲۶..... بس بود
- ۲۷..... مأمّن من
- ۲۷..... یارب چه بگویم
- ۲۸..... طیبب دل ها
- ۲۹..... چه شود
- ۲۹..... یار باز آید
- ۳۰..... سپاس آید مال
- ۳۰..... یوسف گم گشته به آسمان آید
- ۳۱..... خبر نمی آید
- ۳۲..... می توان دید
- ۳۲..... محضر جانان
- ۳۳..... هر که خواهان تو شد
- ۳۴..... برگشا ساقی مجلس سر مینای دگر
- ۳۴..... در وصف دوست
- ۳۵..... غزل دل شکسته
- ۳۵..... خمارم هنوز
- ۳۶..... درد پنهان
- ۳۷..... با دیگران
- ۳۷..... حلاوت عشق
- ۳۸..... جام زلال عشق
- ۳۸..... عنقای عشق
- ۳۹..... هوای عشق
- ۴۰..... عشق
- ۴۰..... سپاس به پیشگاه پروردگار
- ۴۱..... چشمان غزال

- بی‌بدیل ۴۲
- تب رؤیا ۴۲
- از زبان یک حاجی به معبود ۴۳
- دلِ رمیده ۴۳
- گریستم ۴۴
- عاشق مادرزاد ۴۴
- مکنون دل ۴۵
- نقش مصور ۴۵
- جفا پیشه ۴۶
- بمیرم ۴۶
- درد نهفته ۴۷
- گر به رویم در بندی ۴۷
- گر که صد جان بُودم هدیه جانانه کنم ۴۸
- غنچه شکوفا ۴۸
- نامرادی ۴۹
- گلِ آدم ۴۹
- سایه دادار ۵۰
- خلوت میخانه ۵۱
- عاشق روی جان فزای توایم ۵۱
- یک زمان فرخنده روزی روزگاری داشتیم ۵۲
- یار ندیدیم ۵۳
- بگیرم ۵۳
- شفاخانه دوست ۵۴
- کجایت جویم؟ ۵۴
- ای که زلفت در سیاهی ۵۵
- هم‌چو خورشید ۵۵

- لب از ثنا مگردان ۵۶
- طلبکار بوسه ۵۷
- نام تو زب هر سخن ۵۷
- شعله عشق ۵۸
- ای خالق جان ۵۸
- اذعان به خطا ۵۹
- بی خانمان ۵۹
- سرشک بر من ۶۰
- باز روز آید به ایان تار برسد شام من ۶۰
- حجله مستان ۶۱
- بنشین ۶۱
- مرهم دل ها ۶۲
- مهر و مه کی می تواند بشکند بازار تو ۶۲
- شمیم دوست ۶۳
- جفای تو ۶۴
- سودای تو ۶۴
- چه شوم کجا نشینم ۶۴
- بی تو ۶۵
- گدای کوی تو ۶۶
- مرو ۶۶
- از من به جانانم بگو ۶۷
- مناجات ۶۷
- یعنی چه؟ ۶۸
- در وصف حق تعالی ۶۸
- نور دل و دیده ۶۹
- سرود عاشقانه ۶۹

- ۷۰ نالم از دست تو ای ناله
- ۷۱ ز جان عزیزتری
- ۷۱ تا کی؟
- ۷۲ پیش من به عیانی
- ۷۲ باور نمی کنی
- ۷۳ رخ جانان
- ۷۳ حوری بهشت
- ۷۴ شتابان می روی
- ۷۵ کجایی
- ۷۵ عشق و شیدایی
- ۷۶ معشوق بی وفا
- ۷۶ خالق انس و جان
- ۷۷ نکوتر از نکویی
- ۷۸ دردانه نازک نارنجی

فصل دوم : روایت نور (ستایش مسومن ﷺ)

- ۸۳ در مدح امیر مؤمنان علیہ السلام
- ۸۴ بشر چشمان گریان دارد امشب
- ۸۴ میعت پیامبر گرامی (ص)
- ۸۵ در واقعه شوم مسجد کوفه
- ۸۶ نور محمد (ص)
- ۸۶ در ولایت با سعادت امیر مؤمنان (ع)
- ۸۷ جمال محمد (ص)
- ۸۸ غم نخواهد ماند
- ۸۸ پیام آور عشق
- ۸۹ عید غدیر

- فتح مکه معظمه به دست نبی اکرم (ص) ۹۰
- در مدح امیر مؤمنان علیه السلام (۲) ۹۲
- طوس ۹۲
- به ذات خداوند یکتا قسم ۹۳
- در رثای سرور شهیدان علیه السلام ۹۴
- ولادت سرور شهیدان ۹۴
- در ثنای ثامن الائمه علیه السلام ۹۵
- در ولادت با سعادت حضرت قایم علیه السلام ۹۶
- اوضاع جهان ۹۷
- در مدح امیر مؤمنان علیه السلام (۳) ۹۸

فصل سرم: پر از بال‌های خیال (توصیف‌ها)

- بهاریه (۱) ۱۰۳
- بهاریه (۲) ۱۰۳
- بهاریه (۳) ۱۰۴
- بلدا ۱۰۵
- اشک چیست ۱۰۶

فصل چهارم: ریشه‌های روشنائی (نصایح)

- قانعیم و رضا ۱۰۹
- زندگی امتحان است ۱۱۱
- افسانه عمر ۱۱۲
- چشم عبرت ۱۱۲
- وقت طلاست ۱۱۳
- رخ متاب ۱۱۴
- مکافات ۱۱۴

کتاب	۱۱۵
مرصاد خوشبختی	۱۱۶
محن آباد	۱۱۶
قناعت و کنج عبادت	۱۱۷
تقدیم به مادران	۱۱۷
ارزش علم و هنر	۱۱۸
کسی که راه نماند سان آدم کور است	۱۱۹
صبح سپید	۱۱۹
عارف بی ادعا	۱۲۰
دولت جاودان	۱۲۱
تقوی	۱۲۱
شادمانی‌ها برفت	۱۲۲
سرای دو در (۱)	۱۲۲
دیده پر اشک	۱۲۳
سرای دو در (۲)	۱۲۴
بلای جان	۱۲۴
حساب پاک	۱۲۵
دوست کیست؟	۱۲۵
جنس نیکو	۱۲۶
خانه بلاخیز	۱۲۷
تربیت فرزند	۱۲۷
نور حق	۱۲۸
ببند محمل و آماده شو	۱۲۹
شباب عمر	۱۲۹
سرنوشت	۱۳۰
مرد ایمان	۱۳۰

- قصه دیگر ۱۳۱
- سخن سنجی ۱۳۱
- بلای اعتیاد ۱۳۲
- گل بی خار نیست ۱۳۳
- آهنگ پرواز ۱۳۳
- دو روز عمر ۱۳۴
- دعای مستمندان (در استقبال از حافظ شیرین سخن) ۱۳۴
- تعاون و مکالم ۱۳۵
- چه خواهی برد؟ ۱۳۶
- سایه ایمان ۱۳۶
- سمند عمر ۱۳۷
- مقام زهد ۱۳۸
- هر لحظه و دم ۱۳۸
- رخت بر بند ۱۳۹
- کنج قناعت ۱۳۹
- نمی‌آرزد ۱۴۰
- بی‌محبت خانه زندان است ۱۴۱
- پند ناصح ۱۴۱
- گل بی خار ۱۴۲
- ناله من ۱۴۲
- فرصت دیدار نشد ۱۴۳
- عین بقا ۱۴۳
- جهان بماند ۱۴۴
- بماند ۱۴۴
- جهان نخواهد ماند ۱۴۵
- گل رفت و خار ماند ۱۴۶

- آن می ماند ۱۴۶
- مزد نیک و بد معین کرده اند ۱۴۷
- پاک دینان پر کار ۱۴۸
- همه رفتند ۱۴۸
- توکل بر خدا کردن ۱۴۹
- مرغان سبکیال ۱۵۰
- خودستایی ۱۵۰
- ایزد گنه بیخوش ۱۵۱
- نفرین بر ظالمان ۱۵۱
- جزای خطا ۱۵۲
- دل غافل ۱۵۲
- عیب جوئی ۱۵۳
- قدر انسان ۱۵۳
- هر که آید به جهان ۱۵۴
- هر آن چه شود از دل ما شود ۱۵۵
- حس هم دردی ۱۵۵
- آن چنان کن که عمل موجب حرمان نشود ۱۵۶
- زمستان بگذرد ۱۵۷
- شجر عشق ۱۵۷
- ناله ملتمس ۱۵۸
- از یک گل بهار نمی شود ۱۵۸
- سحرگاه ۱۵۹
- عتاب گل ۱۶۰
- عمر ۱۶۰
- غم مخور ۱۶۱
- دست تقدیر ۱۶۲

- ۱۶۲ بیندیش و آن گہ برآور نفس (سعدی)
- ۱۶۳ خندان باش
- ۱۶۳ گلچینی
- ۱۶۴ طالب بقا می باش
- ۱۶۴ کردگار جرم پوش
- ۱۶۵ الہی مرا ببخش
- ۱۶۶ عمر تباہ
- ۱۶۶ کاروان است
- ۱۶۷ در راہ خدا
- ۱۶۷ من همان رندم
- ۱۶۸ واماندہ
- ۱۶۸ بہاری ساختم
- ۱۶۹ آن منم
- ۱۷۰ بہ جہانی نمی دہم دینم
- ۱۷۱ نگران می روم
- ۱۷۱ بہ خواب افتادہ ایم
- ۱۷۲ اشک ندامت
- ۱۷۲ یار ہم باشیم
- ۱۷۳ نصیحت پیر
- ۱۷۳ راہ خوشبختی
- ۱۷۴ امتحان عمر
- ۱۷۴ طبیب خویش باشیم
- ۱۷۵ خصلت خوبان
- ۱۷۶ عقل
- ۱۷۶ شاخہ بی بار
- ۱۷۷ حاصل کشت و کار

- تأسفی بر گذشته ۱۷۸
- زندگی باد است ۱۷۸
- کنج ملال ۱۷۹
- حال مستی ۱۸۰
- باید شدن ۱۸۰
- خواهی اگر سعادت ۱۸۱
- کسب بقا ۱۸۲
- از خدا پروا کن ۱۸۲
- پروانه شو ۱۸۳
- راه داور ۱۸۳
- سر دل را مگوی با همه کس ۱۸۴
- مکن ۱۸۵
- عذر تقصیر ۱۸۵
- بدبینی ۱۸۶
- منعم و مسکین ۱۸۶
- تجلی حق ۱۸۷
- لب لعل تو بنازم ۱۸۸
- فریاد استمداد ۱۸۸
- عمر جاودان به ۱۸۹
- خفتگان غافل ۱۹۰
- سنگ و شیشه ۱۹۰
- دریای بی کرانه ۱۹۱
- حرمتی نیست مرا ۱۹۱
- دل الفت گسسته ۱۹۲
- پیر روشن ضمیر ۱۹۳
- تا چند به غفلت گذرانی ۱۹۳

- گره گشایی ۱۹۴
- چه بودی ۱۹۴
- خوشا آن کس ۱۹۵
- رنجه از هر نیش خاری ۱۹۶
- گل یا خار ۱۹۶
- لاف گل می‌زدی ۱۹۷
- فتنه نگاه ۱۹۸
- غمگسارن ۱۹۸
- تعاون و همکاری ۱۹۹
- مرصاد حقیقت ۲۰۰
- آب خضر ۲۰۰
- نواى جَرس ۲۰۱
- اجر و مکافات ۲۰۱
- عاقلان دین نفروشد ۲۰۲
- شرط و ارستگی ۲۰۲
- زندگی (۱) ۲۰۳
- زندگی (۲) ۲۰۴
- دام در راه ۲۰۴
- صبح پریشانی ۲۰۵
- امان از این پریشانی ۲۰۵
- راه سعادت ۲۰۶
- ترک صنم کن ۲۰۶
- خطا نکنی ۲۰۷
- چه می‌کنی ۲۰۸
- ارمغان پیر ۲۰۸
- کجا می‌روی؟ ۲۰۹

- ۲۱۰..... نصیحتی چند به فرزندان
- ۲۱۱..... گوهر شوی
- ۲۱۱..... از غنچه پاک‌تر
- ۲۱۲..... کیمیای قناعت
- ۲۱۴..... سرود ایران ما

فصل پنجم: میهمن من (اشعار ملی - مذهبی)

- ۲۱۵..... ایران ما
- ۲۱۶..... هر که زورش بیشتر شرّ بیشتر می‌افکند
- ۲۱۷..... زبان حال شهید جنگ نامی
- ۲۱۸..... گلزار ایران
- ۲۱۹..... سرود ایران من
- ۲۲۰..... وطن
- ۲۲۱..... خطابی به مدافعان شهید کشور

فصل ششم: ستوده ها و ناستوده ها

- ۲۲۳..... مرثیه مادر
- ۲۲۵..... شکوه از نامادری
- ۲۲۶..... چه می‌شد
- ۲۲۷..... گلایه کودک فقیر یتیم
- ۲۲۸..... پرستار
- ۲۲۸..... سیگار
- ۲۲۹..... در رثای مادر
- ۲۳۰..... متظاهر
- ۲۳۰..... متجاوز
- ۲۳۱..... خاطره ای شیرین

۲۳۱		باغ
۲۳۲		بلای جنگ
۲۳۳		معلم (۱)
۲۳۳		معلم (۲)
۲۳۴		خیاط قضا دوخت به تن پیرهنم
۲۳۵		عمر گذران
۲۳۵		روزه داری
۲۳۶		نفرین بر مک

فصل هفتم: مثنویات

۲۳۸		مناظره قلم و شمشیر
۲۴۰		آینه عبرت
۲۴۲		تاریخچه غدیر
۲۴۳		در ذم سخن چینی
۲۴۴		تجلیل از مقام استاد
۲۴۵		مال دنیا
۲۴۷		بی حاصلی
۲۴۸		خنده کن
۲۴۸		حور عین آمد
۲۵۰		غنچه خودخواه
۲۵۱		زبان سخن ناهنگام
۲۵۳		حریص مال اندوز
۲۵۴		مناظره‌ای بین آب و آتش
۲۵۶		روای جان بخش
۲۵۸		جلوه حق
۲۶۱		نتیجه پشتکار و تلاش

۲۶۲	مناظره دین و فرهنگ
۲۶۴	همدلی
۲۶۵	ایثار خلیل الله
۲۶۶	ساقی نامه (۱)
۲۷۱	فرزند عزیز و مهربانم
۲۷۲	ناسپاسی
۲۷۳	قدر گل های ریا ابدانیم
۲۷۴	ستمکاران
۲۷۵	کفران نعمت پروردگار
۲۷۶	کبک و زاغ
۲۷۷	چهارده ستاره تابان آسمان
۲۷۹	جهان را تو آراستی
۲۸۱	گل و خار
۲۸۲	ناسپاسی فرزند نسبت به پدر و مادر
۲۸۴	پندی چند
۲۸۶	ادعا کن بدان چه بتوانی
۲۸۷	ساقی نامه (۲)

فصل هشتم: رباعی، دوبیتی و سایر اشعار

۲۹۵	رباعی
۲۹۹	دوبیتی
۳۰۱	سایر اشعار

مقدمه

مرحوم حبیب الله ناصح فرزند مرحوم محمد ناصر ناصح در دَومِ آبانماه ۱۳۱۲ شمسی در خوسف در خانواده ای اصیل و متدین پا به عرصه حیات گذاشت. اشعار وی مبتنی علاقه عمیق وی به خاندان رسالت و ائمه اطهار سلام اله علیها می باشد.

تاریخ علم و ادب خوسف به زیور نام اجدادش چون آقا ملا علی اصغر خوسفی و حاج لطفعلی بیک نخعی و سایر بزرگان آراسته و مزین است.

مرحوم ناصح دوره تحصیلات ابتدایی را در دبستان ابن حسام خوسف گذراند و برای ادامه تحصیل به بیرجند عزیمت نمود. تحصیلات متوسطه خویش را در دبیرستان شوکتی آن زمان و دانش سرای تربیت معلم بیرجند به اتمام رسانید و در هفدهم دیماه سال ۱۳۳۱ به استخدام رسمی آموزش و پرورش بیرجند درآمد.

وی ابتدا در خوسف به تدریس پرداخت و پس از چند سال به بیرجند منتقل شد و سرانجام پس از سی سال تلاش و میاندازی در اوّل مهر ماه سال ۱۳۵۹ به افتخار بازنشستگی نایل گردید.

مرحوم ناصح گرچه فعالیت ادبی خویش را اندکی دیرتر شروع نمود، اما به مدد استعداد سرشارش که ودیعه الهی بود، توانست این تأخیر را جبران کند و حاصل کار ادبی وی دفتر شعری با حدود ۶۰۰۰ بیت است.

سرانجام پس از سال ها تلاش و کوشش در سی و نهم فروردین ماه هزار و سیصد و هشتاد و پنج دعوت حق را لبیک و دار فانی را وداع و به سرای باقی شتافت و در حاکم آرامگاه ملا محمد بن حسام خوسفی که از نوابغ دوران خود بوده سر به جیب خاک فرو برده و مدفون گردید. روحش شاد و با اولیاء محشور باد.

دیباجه

"چه حرف ها که درونم نگفته می ماند

خوشا به حال شماها که شاعری بلدید"

رضا احسان پور

شعر، جدای از تعاریف گذشتگان که در ماهیت آن به کرات سخن رانده اند، هنری است که ریشه در مکاشفات روحی انسان- آن هنگام که نقاب از چهره جان برمی افتد و شاعر از سرودن بی تابی های خود ناگزیر است- دارد و چون جنس این هنر سخن است و با زبان و تفکر و تخیل پیوند دارد، تا انسان هست، شعر هم هست.

آری شعر، بدون شک والاترین و برترین هنری است که در دل خود حرف های گفته و ناگفته های زیادی دارد. شاعران واهی اهل حالند و سخن اهل حال در خور اهل قال نیست.

بی شک عمر شاعری به عنوان یک منزل و عمر شعر به عنوان کسب معاش به سر آمده است و دیگر، شاعران روزگار ما حق ندارند، سخن واریال نازک خود را در توبره کرده و بر دوش اندازند و دیار به دیار به دنبال خریدار بگردند و برای رسیدن به نام و نان داغگاه میرجعانیان را نادیده توصیف کنند و در پایان عاجزانه دست تکی به جانب سواد قرار داده و مرد شاعری خویش را به حقیرانه ترین شکل ممکن طلب نمایند و بگویند:

هر چه زین سو داغ کرد از سوی دیگر هدیه داد

شاعران را با لگام و زایران را با فسار

قریب به اتفاق شاعران بلند آوازه و ماندگار زبان فارسی که به نیک نامی در پرویزن ایام دوام آورده اند، هرگز نان شعر نخورده، بلکه جان بر سر آن نهاده اند و این همدن آن حیاتی است که به آن دست یافته اند.

شاعر این مجموعه از جمله این شاعران است که نه در پی نامی بوده و نه در پی نانی و این گوهر والا- شعر- را دست مایه خواسته های نفسانی نکرده است. ورای بحث زبانی و فرمی- که در بسیاری خودش قابل بحث است- محتوای آیینی و اخلاقی این مجموعه بر ارزش آن افزوده است و نشان می دهد که شاعر نقش بازی نکرده و خویشتن خویش را سروده است و گواه بر این ادعا صمیمیت و ارتباطی است که با آن برقرار می کنیم و حس خوبی است که هنگام خوانش آن به ما دست می دهد.

مرحوم حبیب الله ناصح از تبار مردان بزرگ، بی آلاش و بی ادعایی است که همچون بسیاری از نام آوران گمنام این دیار، پیشه معلمی که همانا رسالت بحق انبیا و اولیا، الهی است را برگزیده و عمر گران بهایش را صرف تعلیم و تربیت فرزندان این آب و خاک نموده است و سالیان درازی را در پیچ و خم گذر ایام سوار بر توسن سرکش شعر و آدب به یادگار نهاده است. سروده هایی با مضامین مختلف از مدح و رثای ائمه اطهار گرفته تا اشعار تعلیمی و غزل هایی عارفانه و شاعرانه که گویی بسیاری از حرف های ناگفته کلاس درس را برای دانش آموزانی که آموزش را تنها به کلاس خلاصه نمی کنند و

جهان هستی را همچون کلاسی پر از علم و تجربه یافته‌اند که از لحظه لحظه آن باید چیزی آموخت - در لابلای این اشعار به زبانی گویا و هنرمندانه بیان نموده است تا هر دانش‌آموزی که در محضرش شاگردی نموده اگر در پی زنده نمودن خاطرات آن روزها باشد با قرائت این اشعار تمام آن لحظات خوش برایش تداعی شود و معلمی صادق و بی‌آلایش را در آینه این اشعار به تماشا بنشیند و ضمن افتخار به معلمان بزرگی که اکنون یاد و خاطره‌ای بیشتر از آن‌ها به جای نمانده است حسرت و افسوس بی‌کرانه را نیز در دل داشته باشد بخاطر آیندگانی که صحبت از مردان و زنانی این‌گونه برایشان افسانه‌ای بیش نخواهد بود.

یادش گرامی

مقدمه و تصحیح

مجید رضا خزاعی وفا - حبیب حاجی پور

زمستان ۱۳۹۴